

فتح استخر طی سال‌های ۳۹-۱۹ هجری قمری

سیده سارا حسینی نژاد^۱

چکیده

استخر یکی از شهرهای مهم امپراطوری ساسانی محسوب می‌شد؛ بعد از حملات اعراب به ایران به سبب موقعیت مذهبی و جایگاه سیاسی مورد توجه فرماندهان عرب قرار گرفت. مسلمانان برای فتح آن چندین بار تلاش کردند، اما با شورش مردم مواجه شدند. مردم استخر برخلاف برخی از مناطق ایران به راحتی استیلای اعراب را نپذیرفتند. اما در نهایت، تلاش مردم با ناکامی مواجه شد. در زمان خلافت حضرت علی (ع) مسلمانان توانستند اداره استخر را به دست بگیرند و به ضرب سکه پردازند. این پژوهش در نظر دارد، علل مقاومت مردم استخر در زمان خلافت عمر و شورش آنها در زمان خلافت عثمان و حضرت علی (ع) را مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: استخر، اعراب، مقاومت مردم، خلفای راشدین.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران

مقدمه

حملات مسلمانان به ایران تأثیرات زیادی در ساختار اقتصادی، اجتماعی و دینی ایران به وجود آورد. بعد از نبرد سرنوشت ساز قادسیه (۱۵ق)، جلولاء (۱۷ق) و نهاوند (۲۱ق) تیسفون به دست اعراب فتح شد. در طی ده سال سایر شهرهای ایران به دست مسلمانان افتاد. استخر یکی از شهرهای فتح شده توسط اعراب بود. حملات متعدد مهاجمان به استخر سبب ایجاد این سوالات می شود که فتح استخر چه اهمیتی برای مسلمانان داشته که چندین بار برای تسلط بر آن تلاش کردند؟ بعد از آن چه عواملی باعث شد که مردم استخر در برابر اعراب شورش کنند؟ فرضیه تحقیق این است که استخر به سبب اینکه زادگاه و مرکز سیاسی ساسانیان بود برای اعراب اهمیت داشت و تحریکات موبدان زرتشتی موجب مقاومت مردم استخر در برابر اعراب شد.

منابع تاریخی در زمینه فتح استخر اطلاعات مفیدی به ما می دهند، در کتاب *فارسنامه* ابن بلخی در مورد کشتار مردم توسط عبدالله بن عباس، عامل حضرت علی (ع) اشاره ای شده است، اما در منابع دسته اول از جمله *فتوح البلدان* بلاذری به این موضوع توجه نشده است. کتاب دو قرن سکوت دکتر عبدالحسین زرین کوب به چگونگی فتح استخر در زمان عمر اشاره کرده است. جمشید صداقت کیش در کتاب *شهر استخر و سه گنبدان* از منظر تاریخ فتح به این موضوع توجه می کند. اما کتاب *سقوط ساسانیان* تورج دریایی علاوه بر شرح چگونگی فتح این شهر به دلایل شورش مردم هم پرداخته است.

جغرافیای تاریخی استخر

استخر واقع در فارس که ویرانه های آن بین جلگه های خضرک و مرو دشت در دره رودخانه پلوار است (موسوی، ۱۳۷۷: ۸/۱۷۰)، این شهر در شصت و پنج کیلومتری جنوب پاسارگاد و پنج کیلومتری شمال تخت جمشید قرار دارد. نام این منطقه به درستی مشخص نیست. عده ای

بر این باور هستند که استخر به معنای قلعه نظامی بوده است (همانجا). اعراب بنا به نظر لسترنج نام اصطخر را بر شهری نهادند که در زمان ساسانیان یونانیان آن را پرسپولیس می‌نامیدند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۹۶). اصطخری در کتاب *ممالک و مسالک* اشاره می‌کند که اقلیم فارس به ۵ کوره تقسیم می‌شود (اصطخری، ۱۳۷۳: ۸۸). هر یک از این کوره‌ها دارای یک شهر مهم به نام‌های استخر، ارجان، بیشابور، اردشیرخوره و دارابجرد بوده است. از میان این شهرها استخر از همه قدیمی‌تر بود.

بانی استخر در داستان‌های اسطوره‌ای کیومرث بوده است. جمشید جم مساحت این شهر را گسترش داد و در آنجا سه قلعه بنا کرد و دستور ساخت کوشکی را داد که پس از او تختگاه پادشاهان قرار گرفت (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۵-۲۳). این شهر در اطراف اقامتگاه‌های هخامنشیان بوده و به همین سبب مرکز بازرگانی، کشاورزی و جایگاه خاندان‌های سرشناس بوده است (سامی، ۱۳۵۴: ۳). تحقیقات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که آثاری از دوره پیش از تاریخ، هخامنشی، ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی در استخر وجود داشته است، در زمان سلوکیان حاکم فارس دست‌نشانده سلوکی‌ها بود که البته این دست‌نشانده‌گی پنجاه یا شصت سال بیشتر طول نکشید (همانجا)، بعد حاکم فارس حکومتی تشکیل داد و سکه‌هایی ضرب کرد که بر روی آن‌ها به زبان آرامی خود را «ملکا» (صداقت کیش، ۱۳۸۹: ۱۰۶) نامید. در دوره اشکانیان به سبب اینکه استخر از مرکز دور بود (همان: ۱۰۷) و اشکانیان مدام درگیر جنگ با روم بودند، اینجا به صورت خود مختار اداره می‌شد.

استخر در دوره ساسانیان

با تأسیس سلسله ساسانیان در فارس، استخر به عنوان مرکز این سلسله قرار گرفت. یکی از دلایل اهمیت شهر استخر وجود معبد آناهیتا بود. هیربدان این آتشگاه مقام والایی در فارس داشتند. بابک پدر اردشیر حاکم محلی و موبد این معبد بود و توانست جنگجویان محلی پارس

را که به ایزد باستانی اعتقاد داشتند، گرد هم آورد(دریایی، ۱۳۸۳: ۱۲). اردشیراول از این شهر برخاست و کوشید امپراطوری بزرگی ایجاد کند. استخر در ابتدای دوره ساسانیان یعنی در زمان اردشیر بابکان و شاپور اول اهمیت بسزایی داشت و شاپور اول که سی سال حکومت کرد استخر را به عنوان پایتخت انتخاب کرده بود (صداقت‌کیش، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

نولدکه بر این باور است که استخر فارس از پهنه دشت ایران دور بوده و چندان برای پایتختی مناسب نبوده است (نولدکه، ۱۳۵۸: ۶۷). همچنین ظهور مسیحیت در مرزهای غربی به ویژه در ارمنستان سبب شد شاپور ذوالاکتاف پایتخت ایران را از استخر به تیسفون انتقال دهد. انتقال پایتخت به تیسفون از علاقه ساسانیان نسبت به استخر نکاست زیرا آنها نسبت به زادگاه اصلی خود علاقه داشتند و قبور شهریاران هخامنشی در نقش رستم در محدوده استخر واقع شده بود (سامی، ۱۳۳۸: ۱۰۶)، همچنین این شهر مرکز جمع‌آوری و نشر کتاب‌های دینی و مرکز بازرگان بوده است (سامی، ۱۳۵۴: ۴)، به همین سبب استخر اهمیت خود را تا پایان حکومت ساسانی حفظ کرد.

فتح ایران توسط اعراب

فتح ایران در زمان خلافت ابوبکر (۱۲-۱۱ق) آغاز و تا پایان دوره امویان (۱۳۲-۴۱ق) ادامه داشت. در زمان حمله اعراب به سوی مداین، پایتخت ساسانیان فتح شد. در جنگ جولاء سپاهیان ساسانی شکست خوردند. بعد از این نبرد اعراب شوش و شورشتر را فتح کردند. «یزدگرد گمان می‌کرد که عربان به سواد خرسند می‌شوند و جبال را به او خواهند داد اما محاصره شوش و پیشرفت به جانب اصفهان این اندیشه خام را از سر او به در کرد» (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۷۶). فتح نهاوند در سال ۲۱ق آخرین مقاومت ساسانیان را در هم شکست. این فتح راه تصرف تمام ایران را برای اعراب گشود. چند سال بعد از این جنگ همدان، کاشان، اصفهان و سپس استخر به دست مسلمانان افتاد (همان: ۷۸).

پی بردن به تاریخ دقیق فتح فارس در اوایل عصر اسلامی دشوار است و یکی از علل این امر تناقض در منابع عربی و فارسی درباره فتح این ناحیه می‌باشد و علت دیگر شورش‌های محلی است (دریایی، ۱۳۸۳: ۶۸). شهر اصلی فارس، قبل از اسلام استخر بود که روابط حسنه‌ای با حکومت ساسانیان و آیین زرتشتی داشت و در آغاز فتوحات اسلامی، مردم استخر شورش‌های بسیاری کردند.

فتح استخر در زمان عمر

علاء حضرمی صحابه پیامبر که از طرف ایشان برای دعوت اسلام به سوی بحرین رفته بود، در زمان خلافت ابوبکر و عمر نیز حاکم بحرین شد. وی در سال ۱۹ ق زمانى که پیشرفت‌های سعد بن ابی وقاص را دید به او حسادت کرد و بدون اجازه عمر از راه خلیج فارس به طرف استخر آمد (زرین‌کوب، ۱۳۹۲: ۳۳۳). مرزبان فارس (شهرک) راه را بر او گرفت. علاء به دشواری با کمک نیروهایی که از بصره به کمک او آمده بودند، منهزم شد و هنگام بازگشت از ساحل متوجه شدند که سپاهیان فارس کشتی‌هایش را غرق کرده اند (چوکسی، ۱۳۸۱: ۲۳)، ولی او با کمک سعد بن ابی وقاص دوباره با مردم فارس جنگید و بالاخره پیروز شد.

عمر بعد از مدتی در سال ۲۳، عثمان بن ابی العاص را به بحرین فرستاد و عثمان با کمک قبیله ازد به جستجو در این سرزمینها پرداخت، از دریا گذشت و در روستاها به تاخت و تاز پرداختند. یزدگرد سوم که در این زمان در استخر اقامت داشت چون پیروزی اعراب را دید شهرک را برای مقابله با عثمان فرستاد و عمر هم به ابوموسی اشعری نامه نوشت که به عثمان بپیوندند و با شهرک پیکار کنند (مقدسی، ۱۳۵۱: ۱۹۴-۱۹۳/۵).

همزمان که یزدگرد از استخر به کرمان رفت، بزرگان استخر دور هم جمع شدند که برنامه‌ای برای مقابله با حملات اعراب ترتیب دهند. این افراد نزد موبد موبدان رفتند و گفتند که «استخر به منزله دل است و اگر این شهر به دست اعراب بیفتد، نظام از ملک عجم بیرون

می‌رود» (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۳۱۶-۳۱۵)، بنابراین موبد موبدان مأمور شد که با شهرک بن ماهان صحبت کند و لشکری برای دفع حملات اعراب جمع کنند. شهرک عرب‌ها را زیر سؤال می‌برد و به موبد موبدان می‌گوید که این عرب‌ها چه کسی هستند که از آنها می‌ترسی؟ (همانجا) به این سبب صد و بیست هزار نفر از مردم ولایت فارس به دور شهرک جمع شدند و وقتی این خبر به ابوموسی رسید، به سمت استخر آمد. ابوموسی به سپاهش دستور داده بود که همگی تکبیر بگویند و این در دل شهرک هراسی انداخت و سپاهیان تلاش کردند که او را آرام کنند. شهرک شروع به جنگ کرد و آواز تکبیر برای دومین بار از سوی سپاهیان مسلمان بلند شد و سپاهیان شهرک در فارس متفرق شدند. اولین کسی که فرار کرد شهرک بن ماهان بود. جنید بن مسلم الازدی به او رسید و شمشیر به تاج او زد و شهرک از اسب افتاد و مرد و لشکر فارس فرار کرد (همان: ۳۱۷-۳۱۶).

ابوموسی یک ماه در بیرون شهر لشکرگاه داشت و مردم خسته شدند و التماس کردند که با آنها صلح کنند و ابوموسی گفت که دویست هزار درهم نقد جزیه بدهید تا با شما صلح کنیم و مردم شهر قبول کردند. طبری اشاره می‌کند زمانی که استخر به دست عثمان بن ابی العاص فتح شد فرماندهان عرب از مردم غنیمت بسیاری گرفتند و عثمان همه آن را نزد عمر فرستاد (طبری، ۱۳۷۵: ۲۰۸/۵)..

در این دوران ترس و شناخت کم مردم استخر نسبت به عربها و دین جدید آنها از جمله دلایلی بود که باعث شد به دور شهرک بن ماهان جمع شوند حتی مرزبان آنها شهرک شناخت کمی نسبت به عربها داشت آنجا که در جواب موبد به وی می‌گوید که اعراب چه کسانی هستند که از آنها می‌ترسی؟ (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۳۱۶-۳۱۵). علاوه بر شناخت کم مرزبان خطر مهمی از جانب اعراب احساس نمی‌کرد که از آنها ترسی داشته باشد.

در واقع مردم که از حکومت ساسانیان ناراضی بودند می‌ترسیدند در شرایطی قرار بگیرند که از دوران ساسانیان هم بدتر باشد و به همین سبب به دور مرزبان فارس جمع شدند که از

جان و مال خود دفاع کنند و این واکنش طبیعی است که مردم در مقابل حملات بیگانگان از خود واکنش نشان دهند.

استخر ویژگی‌های متفاوتی نسبت به بقیه کوره‌های فارس داشت، اول به سبب وجود موبدان زرتشتی و دوم به دلیل اینکه این شهر زادگاه ساسانیان بود که موجب هم سوئی بزرگان زرتشتی با حکومت ساسانی شد. نقطه ضعف شهر استخر در همین تفاوت بود. مردم استخر در آن دوران از نظام حکومتی ساسانیان راضی نبودند و این موضوع سبب شد بین مردم و موبدان زرتشتی فاصله زیادی ایجاد شود.

این گسیختگی و فاصله را در جنگ سال ۲۳ می‌توان دید، زمانی که صدای تکبیر سپاه اسلام به گوش شهرک بن ماهان رسید او متوجه شد با سپاهی روبرو شده است که ایمان وانگیزه بسیار دارند و در پشت سرش جنگجویانی می‌دید که مدت‌ها از ایمان و انگیزه خالی شده بودند و مردم هم با وجود اینکه در ابتدا برای دفاع از خود جنگیدند ولی نتوانستند مقاومت چندانی کنند و آن به سبب تنزل شهرک بن ماهان، نبود انگیزه و عدم رضایت از حکومت ساسانیان بود.

فتح استخر در زمان عثمان

در سال ۲۸ق عبدالله بن عامر جانشین ابوموسی اشعری با شورش مردم فارس روبرو شد و او عبیدالله بن معمر را برای جنگ با فارسیان فرستاد. در جنگی که به وقوع پیوست سنگی از منجنیق به عبدالله اصابت کرد و به یارانش وصیت کرد که مردم را بکشید و سپاهیان‌ش بسیاری از مردم را کشتند. ماهک، مرزبان استخر از جانب مردم شهر با او صلح کرد. زمانی که عبدالله بن عامر به قصد گوراز استخر خارج شد، اهل شهر علیه او شورش کردند و عامل او را به قتل رساند (البلاذری، ۱۳۴۶: ۲۶۱)، عبدالله بن عامر عصبانی شد و به فارس لشکر کشید که با مقاومت شدید مردم مواجه شد. او دستور داد که شهر را با سنگ و منجنیق بکوبند و در استخر

جوی خون راه انداختند او قسم خورده بود که خون چهل هزار سر شناس را بریزد که در کنار کشته شدن سرشناسان، گروه کثیری از بی‌گناهان هم کشته شدند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۷۷).

بعد از این جنگ و کشتار بین سپاه عرب و ماهک مرزبان استخر، ماهک تاج خود را به سوی یزید بن الحکم که می‌خواست او را بکشد، انداخت و یزید تاج را برداشت و به نزد یاران آمد، سپاه عرب شهر را با زور گرفتند و مردم بسیاری کشتند و ماهک قبول کرد که جزیه پردازند (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۳۳۶-۳۳۷). بعد از مرگ عمر و به خلافت رسیدن عثمان مردم استخر شورش کردند که این شورش نشان‌دهنده عدم رضایت مردم از برخورد فرماندهان عرب (عبدالله بن عامر) نسبت به آنها و همچنین گرفتن غرامت سنگین از مردم بود، زمانی که عثمان بن ابی العاص استخر را فتح کرد از مردم خواست که غنیمت پردازند و او «همه غنیمت‌ها را بگیرد و به نزد عمر فرستاد» (طبری، ۱۳۷۵: ۲۰۰۸/۵).

عبدالحسین زرین‌کوب اشاره می‌کند که این شورش‌ها برای بازگشت حکومت ساسانیان نبوده است (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۸۶)، البته رفتار عبدالله بن عامر با مردم بر اساس عدل نبود و ابن خلدون هم اشاره می‌کند که در فتح شهر بیشتر اهل بیوتات و بزرگان ساسانی کشته شدند زیرا آن‌ها از هر جای دیگر به استخر پناهنده شده بودند (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۴۸)، و علاوه بر اهل بیوتات بسیاری از بی‌گناهان هم کشته شدند. همچنین مردهایی که در نبرد استخر اسیر شدند، مجبور شدند که سالیان دراز در کارهای متعلق به اعراب خدمت کنند (چوکسی، ۱۳۸۱: ۳۵).

شورش مردم استخر در دوره عثمان به این علت شکست خورد که سپاه استخر از شرایطی که اعراب برای آنها ایجاد کردند، ناراضی بودند و برنامه مشخصی نداشتند. اگر فرماندهان و مرزبان استخر تا پایان جنگ در برابر اعراب تلاش بیشتری می‌کردند، مقاومت مردم با شکست مواجه نمی‌شد. زمانی که یزدگرد سوم در سال ۳۱ق توسط آسیابان مرو کشته شد همان مقاومت‌های بی‌نظم هم از میان رفت. یکی دیگر از علت‌های ناکامی، ترس از سرکوب شدید

شورش توسط عبدالله بن عامر بود زیرا علاوه بر اهل بیوتات، مردم عادی هم در این شورش کشته و تعدادی هم اسیر شدند.

فتح استخر در زمان امام علی (ع)

در سال‌های بین (۴۱-۳۵ق) به علت شورش داخلی درونی اکثر مناطق ایران از کنترل خلافت خارج شد. توج دریاپی اختلاف مسلمان عرب را سبب طولانی‌تر شدن مقاومت و شورش مردم می‌داند (دریایی، ۱۳۸۳: ۸۲). در سال ۳۵ق مردم استخر دوباره شورش کردند و حضرت علی(ع)، عبدالله بن عباس که والی عراق و فارس و پسر عمویش بود را به سمت استخر فرستاد او به استخر رفت و آنجا را مجدداً فتح کرد (البلاذری، ۱۳۴۶: ۲۶۲).

ابن بلخی در فارسنامه اشاره می‌کند، زمانی که عبدالله بن عباس به استخر آمد «مردم بسیاری را کشت» (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۱۷)، به این موضوع در منابع دیگر از جمله فتوح البلدان البلاذری اشاره نشده است و به همین سبب قضاوت در مورد آن سخت است.

بعد از سرکوبی شورش توسط عبدالله بن عامر، امام علی (ع) به منذر بن جارود که فرماندار استخر بود نامه نوشت و او را از «هوسرانی برحذر کرد و اینکه در پی شکار و سگبازی به هوسرانی نپردازد» (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۱۱۸/۲)، و منذر چند سال بعد به نزد امام علی (ع) می‌رود و ایشان او را عزل می‌کند و سی هزار غرامت از او می‌گیرد (همانجا)، این جزء نخستین تدبیرهای امام علی برای فرماندار استخر بود زیرا یک فرد هوسران برای حکمرانی ایالت مناسب نبود. در سال ۳۹ مردم فارس خراج نمی‌دهند و مأمور خراج (سهل بن حنیف) را از فارس بیرون می‌کنند. امام در مورد اینکه چه کسی را حاکم قرار دهد، مشورت می‌کند و جاریه بن قدامه به ایشان می‌گوید اگر فرد سیاستمدار و بالیاقت می‌خواهی زیاد بن ابیه را انتخاب کن (طبری، ۱۳۶۹: ۲۶۷۴/۶)، زمانی که زیاد بن ابیه به فارس آمد شورش را خواباند و گروهی را تهدید کرد، گروهی گریختند، گروهی را به جان هم انداخت اما با عده‌ایی از آنها کاری نداشت

(همانجا). به طور کلی زیاد بن ابیه با وعده‌های خوب مردم را آرام کرد و آرامش نسبی در آنجا ایجاد شد. بعد از فتح استخر توسط زیاد بن ابیه «پیری از مردم استخر می‌گفت که زیاد را دیدم که سالار فارس بود و زیاد چندان با مردم مدارا می‌کرد که مانند پیش به اطاعت او آمدند و به جنگ نپرداخت و مردم فارس می‌گفتند که رفتار او همانند رفتار خسرو انوشیروان بود که نرمش و مدارایی می‌کرد» (همانجا).

شورش سال ۳۹ق. آخرین شورش گزارش شده است. ضرب سکه آخرین تاریخ فتح را در زمان حضرت علی (ع) نشان می‌دهد. اولین سکه‌های عرب-ساسانی به سال ۳۳ق به نام عبدالله بن عامر ظاهر شد و پس از آن تا سال ۳۸ ق هیچ سکه‌ای را با شعار «بسم الله ربی» نداریم و از سال ۳۹ سکه به نام زیاد میبینیم (دریایی، ۱۳۸۳: ۷۵)، در واقع مسلمانان زمانی که به صورت کامل توانستند اداره استخر را به دست بگیرند به ضرب سکه پرداختند.

زمانی که عثمان در سال ۳۵ از یک طغیان عمومی در مدینه به قتل رسید، اهل استخر فرصت را غنیمت شمردند و شورش کردند. شورش‌های مردم استخر در زمان خلافت علی (ع) مربوط به نخستین دوره از جنگ‌های داخلی اسلام است. اندکی پس از خلافت حضرت علی، خون‌خواهی عثمان اولین شورش علیه او به رهبری طلحه و زبیر بود و با در هم شکستن این شورش در جنگ جمل، کوفه به عنوان مقر امام علی انتخاب می‌شود. پس از آن، شورش معاویه اصلی‌ترین تهدید برای امام بود و درگیری معاویه و علی (ع)، به رقابت و جنگ فرسایشی بین عراق و شام تبدیل شد. بعد از جنگ صفین هنگامی که ایشان مشغول شورش‌های خوارج در عراق و فارس بود، شورش‌هایی در داخل ایران شکل گرفت. در واقع در سالهای ۴۱-۳۵ق به سبب اینکه مسلمانان مشغول جنگ‌های داخلی بودند، مناطقی از ایران از جمله استخر از دست حکومت اسلامی خارج شد. مهم‌ترین علل شورش آنها در این زمان دادن مالیات بوده است همان گونه که اشاره شد در سال ۳۹ق. مردم استخر خراج نمی‌دهند و سهل به حنیف را بیرون می‌کنند و حضرت علی (ع) با مشورت تصمیم می‌گیرد که زیاد بن ابیه را به جای او قرار دهد.

سرکوب شدن شورش مردم استخر در دوران امام علی(ع) با دو دوره گذشته تفاوت بسزایی داشت، زیرا رفتار فاتحان استخر در دوران قبل برخلاف عدالت و مبنی بر ظلم و به بردگی گرفتن اسیران جنگی بوده است، اما توجه حضرت علی(ع) به انتخاب حکمرانان و عملکرد آن‌ها و همچنین رفتار عاقلانه و مسالمت‌آمیز زیاد بن ایبه شرایط را تغییر داد که موجب آرامش و آسایش مردم و عدم شورش آنها در این دوره شد.

ضرب سکه هم این موضوع را نشان می‌دهد که در خلافت حضرت علی با وجود اینکه درگیری‌های داخلی بسیار بود ولی ایشان با تدبیر توانست از ناآرامی مردم جلوگیری کند حتی اگر والی استخر به هوسرانی می‌پرداخت او را برکنار می‌کرد.

اهمیت فتح استخر

یکی از اهمیت‌های استخر در دوران باستان این بود که این شهر بزرگترین شهر فارس و «پایتخت تمام مملکت فارس از قدیم بوده است» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۹۰۱)، اهمیت فتح استخر با توجه به این که ابن اعثم کوفی آن را به منزله دل گرفته است، مشخص می‌شود. فارس به سبب موقعیت سوق الجیشی که داشت و اینکه بر سر جاده‌های نظامی بود (فرای، ۱۳۷۹: ۲۵) برای اعراب مهم بود. یزدگرد سوم پس از شکست نهایند (فتح الفتوح) از اصفهان به استخرگریخت زیرا استخر به سبب اینکه مرکز سیاسی و دینی ساسانیان بود، این پادشاه متوجه شد که با مردم استخر بهتر می‌تواند، پیوند و القای مذهبی برقرار کند. بعد از فتح اصفهان عبدالله بن بدیل به دنبال یزدگرد به استخر آمد و شاه ساسانی از اینجا فرار کرد و به کرمان رفت.

استخر بعد از اسلام

استخر بعد از ورود اسلام کم‌کم رونق خود را از دست داد، یکی از علت‌های آن بنا و تجدید شیراز توسط محمد بن یوسف ثقفی برادر حجاج بن یوسف ثقفی بود (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۳۷).

درباره این موضوع که شیراز در دوره اسلامی بنا شده یا قبل از آن هم بوده در منابع اتفاق نظر وجود ندارد. پیش از اسلام در شیراز یا نواحی اطراف آن باید محل اقامتی وجود می‌داشته است که بر شهر جدید هم همان نام را گذاشتند با توجه به اینکه مستوفی از واژه مرمت استفاده می‌کند، همچنین ویرانه‌های کاخ ساسانی ابونصر در شرق شیراز و قلعه فهندژ در نزدیکی آرامگاه سعدی می‌تواند نشانه‌ای باشد که این شهر پیش از اسلام بوده است (لیمبرت، ۱۳۸۶: ۱۵)، اگر چه زرتشتیان شهر استخر را به شهری که اعراب ساخته یا تجدید کرده بودند، ترجیح می‌دادند (همان: ۲۱)، اما بعد از اسلام رونق استخر کم شد و به زینت شیراز افزوده شد و حتی بسیاری از بزرگان و مردمان بازاری استخر به شیراز آمدند.

در واقع می‌توان گفت که سقوط نهایی استخر با رشد شیراز هم‌زمان بوده است و با فراموش شدن آیین زرتشتی که به صورت تدریجی صورت گرفت و مهاجرت تعدادی از زرتشتی‌ها به شیراز، کازرون و... استخر رونق خود را از دست داد.

نتیجه‌گیری

قبول اسلام در ایران روند تدریجی داشت و انتشار آن برحسب ناحیه و طبقات مختلف جوامعی که در آن ناحیه زندگی می‌کردند متفاوت بوده است. در شهر استخر مردم از ابتدا از قبول استیلا و آیین عرب خودداری کردند به همین دلیل از شروع فتوحات در این منطقه مردم با تشویق موبدان زرتشتی دست به شورش زدند هرچند که این شورش‌ها به معنای بازگشت حکومت ساسانی نبود، اما آنها نمی‌خواستند که در برابر اعراب تسلیم شوند و به آنها مالیات بدهند به همین سبب در چندین مراحل شورش کردند اما به علت تزلزل مرزبان استخر (شهرک بن ماهان) در جنگ، قدرت نظامی و انگیزه اعراب، سرکوب خونین برخی از فرماندهان عرب (از جمله عبدالله بن عامر)، اسیر کردن مردان و گرفتن غنیمت‌های بسیار ناچار به تسلیم شدند.

با بررسی روند چگونگی فتح استخر در دوره عمر، عثمان و حضرت علی (ع) و با بهره‌گیری از منابع به این نکته می‌رسیم که فتح این شهر برای اعراب اهمیت زیادی داشته است. مسلمانان تمام تلاش خود را کردند که با وجود مقاومت و شورش‌های مردم، استخر را از دست ندهند، زیرا آنجا زادگاه و مرکز مهم مذهبی، سیاسی ساسانیان بود و حضور زرتشتیان می‌توانست خطر جدی را برای اعراب به همراه داشته باشد. مهم‌ترین علل ناکامی شورش مردم استخر نبود انگیزه و مشخص نبودن برنامه بود. البته تدبیر حضرت علی (ع) در انتخاب حکمرانان استخر و برخورد عادلانه در روی آوردن مردم استخر به مسلمانان بی‌تأثیر نبوده است. بعد از اسلام هم با مسلمان شدن تعدادی از مردم استخر و مهاجرت تعدادی از آنها به شیراز، استخر کم‌کم رونق خود را از دست داد و دیگر آن شکوه دوران باستان را نداشت.

منابع و مأخذ

- ابن اعثم الکوفی، ابوالفتح (۱۴۱۱). *الفتوح*، تحقیق علی بشیری، بی‌جا: دارالاضواء.
- ابن بلخی (۱۳۷۴)، *فارسنامه*، مصحح لسترنج و نیکلسن و توضیح منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۸۳)، *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۷۳)، *ممالک و مسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری و کوشش ایرج افشار، تهران: بی‌نا.
- البلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- چوکسی، جمشید گرشاسب (۱۳۸۱)، *ستیز و سازش*، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس.
- حسینی فسائی، حسن (۱۳۷۸)، *فارسنامه ناصری*، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، تهران: امیرکبیر.

- دریایی، تورج (۱۳۸۳)، *سقوط ساسانیان (فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان)*، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیر خانی حسینیک لو و ویرایش روزبه زرین کوب، تهران: نشر تاریخ ایران.
- _____ (۱۳۸۳)، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- رازی، ابن مسکویه (۱۳۷۶)، *تجارب الامم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: توس.
- زرکوب شیرازی، ابی الخیر (۱۳۵۰)، *شیرازنامه*، به کوشش اسماعیل واعظ جوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲)، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۸)، *دو قرن سکوت*، تهران: سخن.
- سامی، علی (۱۳۳۸)، *گزارش‌های باستان‌شناسی*، شیراز: مؤلف.
- _____ (۱۳۵۴)، «ویرانه‌های شهرستان اصطخر»، *مجله هنر مردم*، شماره صد و پنجاه و هشت: صص ۱۲-۲.
- صداقت کیش، جمشید (۱۳۸۹)، *شهر استخر و سه گنبدان*، شیراز: فرهنگ پارس.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۹)، *تاریخ طبری*، جلد ۶، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- _____ (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، جلد ۵، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- فرای، ر. ن (۱۳۷۹)، *تاریخ کمبریج ۴*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- کریستن سن، آتورامانول (۱۳۷۹)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: قصه پرداز.
- لسترنج، گای لو (۱۳۳۷)، *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لیمبرت، جان (۱۳۸۶)، *شیراز در روزگار حافظ*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، شیراز: مؤسسه فرهنگی و پژوهشی دانشنامه فارس.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۶)، *نزه القلوب*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: طهوری.

- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۵۱)، *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- موسوی، کاظم (۱۳۷۷)، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

- نولدکه، تئودر (۱۳۵۸)، *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*، ترجمه عباس زریاب، تهران: انجمن آثار ملی.

- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۴۳)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

